

تسخیر لانه جاسوسی با حمایت امام (ع) به انقلاب دوم تبدیل شد



حسین محمدی، معاون دفتر مقام معظم رهبری:



آیین انتشار تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب ایستگاه خیابان روزولت روز چهارشنبه ۹ آبان ۱۴۰۳ در مؤسسه پژوهشی ـ فرهنگی انقلاب اسلامی برگزار شد. در این نشست، جمعی از کارشناسان و پژوهشگران تاریخ معاصر ایران و فعالان حادثه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳آبان ۱۳۵۸ در این آیین حضور داشتند.

مهندس حسین محمدی، معاون دفتر مقام معظم رهبری در این مراسم با بیان خاطراتی از تسخیر لانه جاسوسی به روایت شنیده‌نشده‌ای از پیام امام خمینی رحمتا... به دانشجویان انقلابی تسخیرکننده لانه جاسوسی آمریکا در تهران در ۱۳آبان ۱۳۵۸ اشاره کرد. بخشی از اظهارات مطرح شده توسط حسین محمدی به این شرح است:

از باب شکر نعمت بزرگ کار عظیم تألیف کتاب ایستگاه خیابان روزولت و این جلسه، نکته‌ای به ذهنم رسید که بگویم. ببینید، در قرآن آمده است: «لَئِنْ شَكَّرْتُمْ لَازِيدَنَّكُمْ». این جلسه رونمایی از تقریظ حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای از این کتاب، مصداقی از شکرگزاری است. رهبر انقلاب می‌فرماید شکر چهار رکن دارد. اولین رکن شناخت خود نعمت است؛ یعنی نعمت بزرگ تولید این کتاب را باید بشناسیم. آنچه آقایان در توصیفات‌شان گفتند، کافی نیست. به نظر من، این نعمت خیلی بزرگ‌تر از آن چیزی است که در اینجا توصیف شد. اگر این کتاب نبود، این تقریظ با این مختصات نبود، حضرت آقا یک کلمه زیاده‌گویی نداشتند.

این نعمت [تولید این کتاب] یک بعدش این است که به ما کمک بزرگی می‌کند در جهت پیشبرد استراتژی اصولی نظام. استراتژی ما چیست؟ استراتژی ما بازدارندگی فعال است؛ یعنی نه ما می‌خواهیم به سمت جنگ برویم و نه می‌خواهیم به سمت تسلیم در مقابل آمریکا برویم. می‌خواهیم استراتژی بازدارندگی فعال داشته باشیم.

استراتژی بازدارندگی فعال اولین مؤلفه‌اش این است که بتواند سرمایه اجتماعی را حفظ و تقویت کند و این کار شما گام بسیار مؤثری است در این جهت. ببینید، سرمایه اجتماعی خیلی کلی گفته می‌شود. بحث امید، نشاط، اعتماد، رضایت، مشارکت و احساس امنیت، اینها مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند. لذا کار شما به نظرم باید ابعاد و عظمتش بیشتر شناخته شود و تأثیری که می‌تواند داشته باشد.

پس من می‌خواهم بگویم در شناخت این نعمت که اولین رکن شکر است، باید بیش از اینها بحث شود، مذاقه شود و ارزش‌گذاری شود.

نکته دوم این‌که حضرت‌آقا می‌فرمایند رکن دوم شکر این است که این نعمت را از جانب خدا بدانیم. چون مصیبت انسان این است که نعمت را از جانب خودش بداند و نتیجه آن توقف است. چرا؟ چون «الحركة خروج الشيء من القوه الی الفعل» حرکت، شش ویژگی دارد؛ مبدأ، مقصد، مسیر، محرک، متحرک و زمان‌بندی. اگرمانقطه‌ای‌که‌هستیم‌راباآن‌نقطه‌ای‌که‌بای‌دباشیم‌یک‌ببینیم، یعنی همان عجب، یعنی توقف. لذا اگر این نعمت را از جانب خدا

گزارش

هرج و مرج سازی عمدی آمریکا در جهان امروز

آمریکا در دنیایی که دیگر تنها قطب آن نیست، چه می‌کند؟



وارد دیگری مستقیم شوند. به‌هرحال دیگری بین روسیه‌از یک طرف و اوکراین و غرب از طرف دیگر برای چندین دهه ادامه خواهد داشت. واشنگتن کار و حشنتاکی را در مدیریت اوضاع در اوکراین انجام داده و مسئول اصلی ایجاد جنگ در اوکراین است. نگرانی سوم این نگارنده (میرشامیر) خاورمیانه و جنگ‌هایی است که در آن جریان دارد. مانند اوکراین، این امکان وجود دارد که آمریکا و روسیه وارد جنگی در خاورمیانه شوند. اگرچه احتمال این امر کم است.

هوش مصنوعی

فکر نمی‌کنم هوش مصنوعی فاجعه ترازیک سیاست قدرت‌های بزرگ (اجتناب‌ناپذیری برخورد نظامی میان قدرت‌ها) را متحمل کند. برای درک این‌که چرا نظام بین‌الملل به ناچار به این فاجعه (نقطه‌ترازیک) می‌رسد، باید به این نکته توجه کنیم که هیچ مقام بالائی در نظام بین‌الملل وجود ندارد (به تعبیر دیگر، نظام بین‌الملل اساسا هرج‌ومرج‌زده و آنارشیک است) که بتواند کشوری را در صورت بروز مشکل نجات دهد. درعین حال، در نظام بین‌الملل دولت‌های قدرتمندی هستند که گاهی

برش

آمریکا؛ مقصر جنگ اوکراین و خاورمیانه

اگر مجبور شویم که در مورد الگوی سیاست‌ورزی آمریکا در جهان از دوگانه ثبات‌ساز و هرج‌ومرج‌ساز استفاده کنیم، باید گفت که آمریکا باعث ایجاد هرج‌ومرج می‌شود. نمونه این نوع سیاست‌ورزی در اوکراین و خاورمیانه دیده می‌شود. آمریکا باید در این مناطق به شیوه‌های اساسی متفاوت عمل می‌کرد. علت اصلی جنگ در اوکراین، تلاش غرب برای ورود این کشور به ناتو بود و آمریکا نیروی محرکه این تصمیم بود. روس‌ها هم از همان ابتدا به‌صراحت گفته بودند که این غیرقابل قبول است. با وجود این، غرب همچنان به تلاش برای ورود اوکراین به ناتو ادامه می‌دهد. به این ترتیب، به جای تلاش برای متوقف‌کردن جنگ، آمریکا در پی پیشبرد آن بوده و هدفش تداوم جنگ تا زمان شکست روسیه توسط اوکراین است. درحالی‌که همان‌طور که گفته شد، آمریکا نباید سعی می‌کرد اوکراین را به ناتو وارد کند و پس از آغاز جنگ، کاخ سفید باید تمام تلاش خود را

بدانیم، این منافاتی ندارد که از کسانی که زحمت کشیده‌اند، تشکر کنیم. ولی حقیقتا بدانیم‌که این توفیق الهی بوده و این مایه برکت می‌شود.

سومین رکن شکر که ایشان می‌گویند، بحث شکر زبانی و قلبی است. هر دو لازم است؛ هم قلبا ما شاکر باشیم که خودش آثار دارد و هم زباناً. این زبان هم فقط بیان امثال بنده نیست که اینجا در جمع محدود باشد. نه، خب بالاترینش همین زبان حضرت آقا بوده که اینجا تقدیر کرده و قدر بدانیم.

اما رکن چهارم شکر درواقع شکر عملی است. این از همه مهم‌تر است. یعنی ما باید ببینیم در عمل از این تجربه، از این اثر و از این پدیده‌ای که در این مقطع از تاریخ انقلاب ما نصیب انقلاب شده، وظایف همه ما چیست.

همه ما، یعنی از رسانه‌ها تا رسانه ملی و همه فرهیختگان و تاریخ‌نگاران، باید نسبت به این نعمت بزرگ وظیفه‌مان را درست بشناسیم و در جهت این‌که پاسخ بگوییم به آن وظیفه، عمل کنیم به آن وظیفه، واقعا همه برویم نقش‌آفرینی کنیم. بالاخره دشمن در گذشته از همه تکنیک‌ها استفاده کرد؛ هم از تکنیک بایکوت، تحریف، شایعه و هم دروغ‌های بزرگ.

از همه روش‌ها بهره برد تا آن حادثه‌ای که رخ داد را واقعا به مسیر اهداف خودش تعریف کند و پیش ببرد. اگر می‌خواهیم مقابله جدی داشته باشیم و آن را به ریل درست بیاوریم، باید کارهای زیادی از این به بعد انجام دهیم. به نظر من، در بحث لانه جاسوسی انتشار این اثر، می‌تواند نقطه‌عطفی باشد. این نقطه‌عطف می‌تواند به ما کمک کند تا تحولی که نیاز داریم در این عرصه رقم بزنیم. این نیاز انقلاب است.

یک خاطره بگویم و بحثم را جمع کنم. روز اولی که آنجا تسخیر شد، ما همه دلتگران نظر حضرت امام بودیم. با امام هماهنگ نشده بود و ساعت یک ربع به یک بود. من امیرکبیری هستم؛ دانشگاه پلی‌تکنیک آن موقع. ایشان [آقای سیف‌اللهی] دانشگاه شریف بودند، درست هم می‌گویند، مبدأ کار برای دانشگاه شریف بود. حدود ساعت یکربع به یک، آقای محسن میردامادی را

دیدم که محور بچه‌های پلی‌تکنیک بود در شورای مرکزی. گفتم محسن! چه شد بالاخره؟ گفت اتفاقا همین الان حاج‌سیداحمدآقا تماس گرفت و گفت که امام از ما سؤال کردند اینهایی که اینجا را تسخیر کردند چه تیبی هستند؟ ما به ایشان اطمینان دادیم که اینجا در خط انقلاب هستند. امام وقتی مطمئن شدند، این پیام را دادند و گفتند: «سریع به اینجا بگویید که خوب جایی را گرفتید، محکم نگه دارید». ببینید، درواقع ما تصمیمی که داشتیم چه بود؟ تصمیم ما یک برنامه حداکثر سه‌روزه بود که آنجا برویم. آنجا را تسخیر کنیم، اسناد را جمع‌آوری کنیم و ببریم بیرون. همان شب کلی اسناد



سیاسی POLITICS ۱۵

شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۳ شماره ۶۸۹۶

خارج شد. اول، اعتراض به راه‌دادن شاه بکنیم و بگوییم اموال باید برگردد، مطالبه امام که «هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا

بکشید» را مطرح بکنیم. این بود برنامه دو-سه‌روزه.

خب، این برنامه دو-سه‌روزه را امام تبدیل کرد به انقلاب دوم که انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول بود. این را باید بدانیم و به خودمان نسبت ندهیم. امام این کار بزرگ را کرد.

یادم هست آیت‌ا... موسوی خوینی‌ها یک جلسه‌ای گذاشتند و دیدند بعضی‌ها دچار عجب شده‌اند. ایشان در جمع بچه‌های لانه جاسوسی گفت صداقت دو بعد دارد؛ یکی این‌که انسان خودش دروغ نگوید و یکی دیگر این‌که اگر دید نسبت به او تصور خلاف واقع هست، آن را اصلاح کند.

ما انقلاب دوم نکردیم؛ ما یک حرکتی کردیم و این را امام تبدیل کرد به انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول.

اگر نبود حمایت امام و اگر نبود آن تدبیر رهبری، این اتفاق به این شکل نمی‌شد. خواستم بگویم که این نکته را هم ما توجه کنیم. همان موقع یکی از نگرانی‌های ما چه بود؟ این بود که دولت موقت ممکن است سقوط کند.

نگرانی اصلی این بود که نمی‌دانستیم امام با ما چه کار می‌کند. واقعا ما دغدغه داشتیم. سیداحمدآقا یک‌بار آمدند لانه و تعریف کردند، گفتند این آقای بازارگر هر دفعه هر مطالبه‌ای. در دوران دولت موقت - از آقا داشت، یک استعفانامه در جیبش داشت. می‌آمد و می‌گفت: بپر به امام بده، یا این خواسته را امام

اجابت می‌کند یا اگر اجابت نکند، من استعفا می‌دهم. استعفایم آماده است.

سیداحمدآقا گفت: این استعفانامه را این دفعه در مورد قضیه لانه جاسوسی داد به من. من هم طبق روال بردم خدمت امام دادم. امام فرمودند که استعفا پذیرفته شد. این به بازارگان گفتم و تا به ایشان گفتم، اصلا رنکش برید و منفعل شد. خیلی عصبانی شد که چطور امام پذیرفتند. ولی خوب برای امام، مسأله این‌قدر حیاتی بود. یعنی یک فرصت و موقعیتی پیش آمده بود که امام آن کار بزرگ‌تر از انقلاب اول را رهبری کند که همان بعد استعمارستیزی بود.

یک‌دیگر می‌ترسند و با یک‌دیگر رقابت خواهند کرد. درواقع، هیچ راهی برای فرار از این رقابت وجود ندارد.

تایوان مقدس

سفر نانسو پلوسی، رئیس سابق مجلس نمایندگان آمریکا، به جزیره تایوان درسال گذشته وتأثیر منفی آن برروابط چین و آمریکا، نکته‌ای قابل توجه است. اگرچه احتمال دیگری در تنگه تایوان در آینده نزدیک بعید به نظر می‌رسد، رقابت بر سر این جزیره ادامه خواهد یافت. رفتار پلوسی در سفر به تایوان و اظهارات تحریک‌آمیزش به‌طور خاص هوشمندانه به نظر نمی‌رسد. بهتر است که آمریکا در مورد تایوان با احتیاط بیشتری صحبت کند. زیرا، این موضوع برای چین از اهمیت بالایی برخوردار است و آن را سرزمینی مقدس می‌داند. اقداماتی که پلوسی و دیگران در این راستا انجام می‌دهند، به نظر نمی‌رسد که منجیده باشد. بااین حال، آمریکا تمایل دارد که مسأله تایوان را همواره در کانون توجه نگه‌دارد، چراکه از نظر استراتژیک برای این کشور حائز اهمیت است. از دید واشنگتن اگر آمریکا از دفاع از تایوان دست بردارد، پیامدهای استراتژیک منفی خواهد داشت. با وجود این وضعیت خطرناک، بعید است که به این زودی بر سر تایوان جنگی صورت بگیرد؛ البته غیرممکن نیست بلکه فقط بعید است که به‌زودی جنگی درگیرد. درحال حاضر یک رقابت امنیتی شدید بین آمریکایی‌ها و چینی‌ها در جریان است البته تمرکز فعلی آمریکا بر مسأله اوکراین و خاورمیانه باعث شده است که این رقابت تا حدودی کاهش یابد، اما اگر این دیگری‌ها نبود، رقابت امنیتی در شرق آسیا شدیدتر می‌شد. باگذشت زمان این رقابت امنیتی از بین نخواهد رفت و احتمالاً در دهه‌های آینده با چند بحران بزرگ روبه‌رو خواهیم شد. اما بیایید امیدوار باشیم که رهبران چین و آمریکا هوشمندانه عمل کنند و برای بحران‌ها راه‌حل‌های دیپلماتیک بیابند و به جنگ با یکدیگر ختم نشوند. نگارنده فقط می‌خواهم خیلی واضح بگویم که از تازاری سیاست قدرت‌های بزرگ خوشحال نیستم. در رابطه با روابط چین و آمریکا، امیدوارم که اشتباه‌کرده باشم. امیدوارم که در طول سال پنج آینده، آمریکا و چین روابط هماهنگی را به‌وجود آورند و همه همیشه با خوشی زندگی کنیم. ولی بدیهی است که من فکر نمی‌کنم این اتفاق بیفتد.



صرف جلوگیری از آن می‌کرد. در مورد خاورمیانه،

آمریکا باید تمام تلاش خود را به کار می‌گرفت تا

اسرائیل را به پذیرش دولت فلسطین، که یکی از علل اصلی

مشکلات در این منطقه است، وادار کند. اکنون،

آمریکا باید به جلوگیری از جنگ در غزه و پایان دادن

به دیگری با حذب... بپردازد و همچنین از بروز جنگی

که ممکن است در صورت تشدید تنش‌ها میان ایران و

آمریکا و اسرائیل به وقوع بپیوندد، جلوگیری کند. متأسفانه، به

نظر می‌رسد که آمریکا در این زمینه اقدام جدی انجام نمی‌دهد،

برعکس به اسرائیلی‌ها کمک می‌کند تا مشکلات بزرگتر و بزرگتری در

خاورمیانه ایجاد کنند. اگر به عملکرد ما آمریکایی‌ها در صحنه جهانی توجه

کنید، می‌توانید ببینید که به جای کمک به ثبات بین‌المللی، باعث ایجاد هرج‌ومرج شده‌ایم.